گزارش

یوسف حیدری
خبرنگار

ایران

بازگشت به خان نخست در ایستگاه مترو

نمایش‌های خیابانی آیینه‌هایی روبه‌روی شهروندان

با عجله پله‌ها را بالا و پایین می‌روند تا زودتر به قطار مترو برسند. انگار مسابقه است و هر کسی برای رسیدن به قطار قدم‌هایش را تندتر می‌کند. چند نفری هم از پله‌های خروجی ایستگاه ولیعصر بالا می‌روند تا وارد خیابان کریمخان شوند. سرمای هوا هر لحظه بیشتر می‌شود و خیلی‌ها ترجیح می‌دهند زودتر وارد سالن‌های گرم مترو شوند. ایوان انتظار، محل ورود به دو خط ۳ و ۶ مترو تهران است و مسافران با نگاه به تابلوهای نصب شده بالای گیت ورودی مسیرشان را پیدا می‌کنند. پیرمرد عصازنان از پله‌های کنار ایوان انتظار عبور می‌کند و سراغ خط ۳ مترو را می‌گیرد و می‌گوید: «می‌خواهم ایستگاه آزادگان بروم. از آنجا هم با ماشین به بازار پرندگان زینتی تهران بروم. شنیدم آنجا پرنده‌هایی می‌فروشند که حرف می‌زنند. یک سالی می‌شود همسرم از دنیا رفته و احساس تنهایی می‌کنم. می‌خواهم یکی از همان پرنده‌های سخنگو را بخرم تا همدم تنهایی‌ام باشد.»

عقربه‌های ساعت بزرگ ایوان انتظار ۳۰ و ۱۰ دقیقه را نشان می‌دهد. چند دختر و پسر جوان که سرتا پا مشکی پوشیده‌اند و پوتین‌های مشکی واکس‌خورده به پا دارند، گوشه‌ای از ایوان انتظار ایستاده‌اند. هر کسی از کنارشان رد می‌شود کنجکاو می‌شود و برای چند ثانیه می‌ایستد و نگاهی به آنها می‌اندازد. انگار خبرهایی شده؛ «این را مرد میانسالی که کلاه بافتنی‌اش را تا پایین پیشانی‌اش کشیده می‌گوید و به چند دختر و پسر دیگر مشکی‌پوش که از پله‌های برقی بالا می‌آیند اشاره می‌کند.» چند دقیقه بعد تعدادشان بیشتر می‌شود.

مردی سفیدپوش با محاسن بلند سفید درحالی که فانوس به دست گرفته در وسط ایوان راه می‌رود و اشعاری از مولانا را با صدای بلند می‌خواند. همه منتظر یک اتفاق هستند.

بنر بزرگی که گوشه سالن نصب شده نشان از اجرای نمایش دارد. نمایش خیابانی به مناسبت دهه فجر. با جمع شدن دختر و پسرهای مشکی پوش کارگردان با صدای بلند از آنها می‌خواهد سرجای خودشان بایستند و نمایش را شروع کنند. تأکید می‌کند اینجا خبری از میکروفون نیست و باید آن‌قدر صدای‌تان بلند باشد تا هر رهگذری که از اینجا رد می‌شود بایستد و برای دیدن نمایش شما کنجکاو شود.

چند دقیقه بعد همگی در یک صف حرکت می‌کنند و درحالی که پیت حلبی کوچکی در دست‌شان دارند روی آن می‌زنند و فریاد می‌زنند: نمایش، نمایش هی، هی. با صدای آنها چند نفر از رهگذران می‌ایستند و با تعجب آنها را نگاه می‌کنند. نمایش با تصویری از هابیل و قابیل آغاز می‌شود. جایی که قابیل با سنگ برادرش را می‌کشد. در پرده دوم خیابان‌های قبل از انقلاب در دهه ۵۰ به‌نمایش در می‌آید. جایی که دو زن مشغول فروش کودکان به رهگذران هستند و کسی آنها را تحویل نمی‌گیرد. در این میان مرد جوانی که صاحب ۵ قلو شده در کش و قوس هزینه بیمارستان لحظه‌های سختی را سپری می‌کند. پیکان سبزرنگی که در هر پرده از نمایش بالاتر می‌رود، مورد توجه تماشاگران قرار می‌گیرد. گوشه‌ای از سالن ایوان انتظار دختر خردسالی با روسری آبی ایستاده و چند پاکت فال در دست دارد و می‌خواهد زودتر خودش را به قطار برساند. اما نمایش برایش جذاب است و در برابر اصرار برادرش که کفی‌کفش و واکس در دست گرفته، می‌خواهد چند دقیقه از نمایش را ببینند. می‌گوید هیچ‌وقت سینما و یا تئاتر نرفته و از نزدیک نمایش ندیده است. «ما ۵ خواهر و برادر هستیم و من و برادرم در مترو کار می‌کنیم. من فال می‌فروشم و او هم واکس و کفی‌کفش. ما مدرسه می‌رویم ولی امروز تعطیل بودیم و معمولاً بعدازظهرها برای کار به مترو می‌آییم. وقتی از اینجا رد می‌شدم متوجه این دخترها و پسرها شدم. من خیلی نمایش دوست دارم. بخصوص صحنه‌هایی که مربوط به خواستگاری و جنگ بین خانواده‌های عروس و داماد باشد. در خانواده ما دخترها خیلی زود ازدواج می‌کنند و ما هم از این دعواها داریم.»

«سکانس جاری شدن خطبه و بله گرفتن عروس که با مرگ ناگهانی عمه عروس همه چیز بهم می‌خورد جالب‌ترین بخش نمایش است که با خنده تماشاگران همراه می‌شود. با رسیدن هر قطار به ایستگاه ولیعصر به تعداد تماشاگران هم اضافه می‌شود. چند نفری هم با دوربین موبایل مشغول فیلمبرداری می‌شوند. برخی از لحظه‌های نمایش برای خیلی از تماشاگران آشنا به نظر می‌آید. انگار هر روز آن را تجربه می‌کنند. محمدرضا دانشجوی سال سوم حسابداری است. دانشگاه آزاد شهرری درس می‌خواند، می‌گوید: «وقتی از مترو پیاده شدم می‌خواستم به خیابان ولیعصر بروم که با شنیدن صدای بازیگران نمایش کنجکاو شدم و به تماشای آن نشستم. برخی از صحنه‌های نمایش واقعیت امروز جامعه ما است. بخصوص موضوع بی‌قانونی و بی‌نظمی. خیلی از مردم تصور می‌کنند قانون برای آنها نیست و بقیه باید رعایت کنند درحالی که بی‌قانونی باعث هرج مرج می‌شود. چیزی که در این نمایش به خوبی نشان داده شد.»

> نمایش خیابانی نمایش مردم برای مردم است. نمایشی که نیاز به تهیه بلیت ندارد و خبری از سن و نورپردازی و خیلی چیزهای دیگر نیست. یک نمایش با وسایل ساده و با موضوعی که خیلی از مردم با آن مواجه هستند

بعد از یک ساعت با پایان محاکمه مرد گناهکار و قرائت آیاتی از قرآن و بندهایی از قانون اساسی نمایش به پایان می‌رسد. تشویق ممتد تماشاگران نشان از رضایت‌شان از اجرای نمایش است. چند دقیقه بعد دوباره جریان زندگی در ایوان انتظار به حالت عادی برمی‌گردد و مردم برای رسیدن به قطار از پله‌ها بالا و پایین می‌روند.

با پایان نمایش داریوش نصیری نویسنده و کارگردان از تجربه خوب نمایش خیابانی و اثرگذاری آن و همچنین موضوع بی‌قانونی و بی‌نظمی‌ای که برای این نمایش انتخاب کرده بود می‌گوید. او با اشاره به اینکه یکی از مشکلات اساسی جامعه امروز رعایت نکردن قوانین و نظم است، گفت: نمایش یوترن ۲ با عنوان «بازگشت به خان نخست» در ارتباط با نقض قوانین الهی و انسانی توسط بشریت است.

این نقض قوانین از هابیل شروع می‌شود و تا انسان‌های معاصر ادامه دارد. موضوعی که همیشه و هر روز با آن مواجه هستیم و شاید گاهی اوقات با بی‌تفاوتی از کنار آن عبور می‌کنیم. این یک مسأله اساسی است که نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد. امروز در کشور خودمان هم با این معضل دست به گریبان هستیم. به‌همین دلیل این موضوع را انتخاب کردم. سال هاست دانشگاه هنر تدریس می‌کنم و این نمایش خروجی کلاس درس ما است که امروز در میان مردم به نمایش درآمد. سعی کردیم در این موضوع همدلی برای اجرای قانون را به نمایش دربیاوریم. همان‌طور که رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که در همه کارها باید امید، نشاط و همدلی وجود داشته باشد سعی کردیم این اصل را به کار ببندیم و همین طور مفاهیم قانون و نظم را که گاهی اوقات نبود آن کاملاً حس می‌شود، توسط خود این بچه‌ها به مردم و مسئولان یادآور شویم.

این استاد دانشگاه هنر با اشاره به نقش نمایش خیابانی در میان هنرهای نمایشی و تأثیرگذاری آن می گوید: متأسفانه با وجود اینکه سال هاست نمایش خیابانی در کشور اجرا می‌شود و طرفداران خوبی هم در بین مردم و هنرمندان دارد اما هنوز در ادبیات نمایشی و اجرایی به آن بها و جایگاه بالایی داده نمی‌شود. با توجه به نظریه‌های جدید ادبیات نمایشی و اجرایی، نمایش خیابانی جایگاه ویژه‌ای در دنیا دارد. به اعتقاد من نمایش یا تئاتر خیابانی برای مردم است. یعنی ایده آن از مردم گرفته می‌شود و به صورت آیینه برای آنها انعکاس داده می‌شود. اجرای این‌گونه نمایش‌ها در مکان‌هایی مثل همین ایستگاه‌های مترو و نگه داشتن آنها برای تماشا اهمیت زیادی دارد. خوشحالم این امر صورت گرفت و امروز خیلی از مردم وقتی از اینجا عبور می‌کردند ایستادند و نمایش را تا انتها دیدند. رسالت اصلی یک هنرمند انعکاس مسائل جامعه است و او می‌تواند همه این مسائل را با هنر نمایش بدهد و اثرگذار باشد. نمایش خیابانی نمایش مردم برای مردم است. همین موضوع قانون و سخت‌گیری در برخی از مسائل مثل ازدواج، همه گیر است خیلی از مردم در این نمایش خودشان را در اپیزودهای مختلف می‌دیدند و به نوعی یک تلنگر برای آنان بود. فلسفه نمایش خیابانی هم همین است. نمایشی که نیاز به تهیه بلیت ندارد و خبری از سن و نورپردازی و خیلی چیزهای دیگر نیست. یک نمایش با وسایل ساده و با موضوعی که خیلی از مردم با آن مواجه هستند. با پایان نمایش پیرمرد عصا زنان راه خروجی را پی می‌گیرد. می‌گوید امروز تنهایی‌ام با دیدن این نمایش پر شد. شاید فردا برای خرید پرنده سخنگو با مترو به ایستگاه آزادگان رفتم.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۴۲۸

آسان

۲		۷						۴
					۱	۳		۵
۵	۸	۳		۴	۷	۱		
				۹	۴		۸	۶
		۹	۱		۸	۲		
۸	۴		۲	۶				
		۴	۵	۸		۶	۱	۷
۹		۱	۳					
۷						۹		۲

متوسط

۹			۷					
	۱	۴	۳					
		۷		۹	۵	۱	۴	
۴				۶		۷		
۸				۳				۹
		۳		۵				۸
	۲	۹	۵	۷		۶		
					۳	۵	۲	
					۴			۱

سخت

			۲	۹	۴			۵
			۳				۴	۸
							۷	
۷							۵	۱
	۲			۱			۶	
۳	۸							۲
	۷							
۴	۳				۹			
۲			۸	۶	۳			

خیلی سخت

		۷		۳		۹		
				۸	۱		۴	۳
	۲			۵				
								۵
۲		۵		۷		۸		۱
۷								
				۹			۳	
۵	۱		۸	۶				
		۴		۲		۱		

حل جدول سودوکو شماره ۴۴۲۸

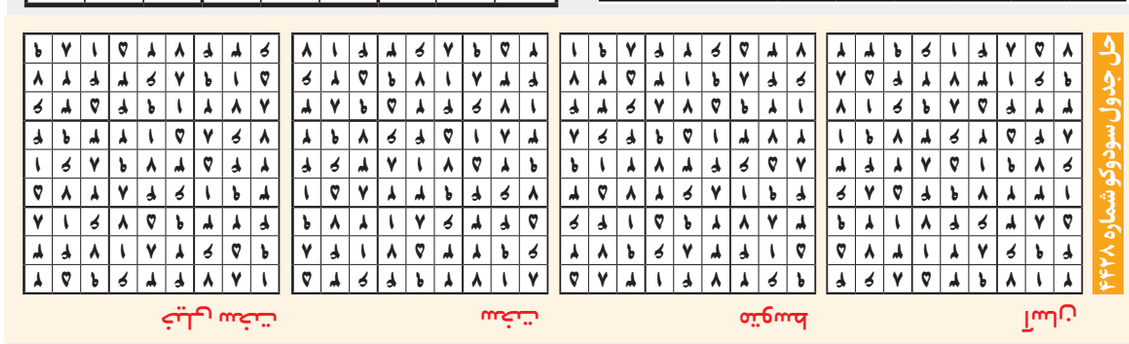

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۳۹۷

جدول عادی

افقی:

۱- ساختمان صنعتی - مأمور راه‌آهن
۲- فال می‌گیرد - محافظ عینک - پایدار
۳- پیدا کن! - برنامه تماس تلفنی اینترنتی - فن
۴- افسر ارتش - همان «بس» - ضربه روحی - صد متر مربع
۵- پایین و قعر - از لوازم آرایش - از شاعران عصر غزنوی
۶- خوشحالی - یک نوع پختنی در جنوب خراسان - نیاکان
۷- بیرق - مصیبت‌ها - گوشمالی
۸- انبار - بعد از استقبال می‌آید - جمع سنت
۹- گلـزن ایرانی «الاتحاد کلبا» - باران عجول! - اولین دریافتی کاسب در روز
۱۰- آذرخش - کلمه خطاب - در مثل دود از آن بلند می‌شود!
۱۱- خودداری از خوردن - بی‌مورد - آبادی
۱۲- درنوردیدن - شکار - زاییدن - شهر «هند»
۱۳- همگی، سراسر - سرمایه‌دار - امر به نالیدن
۱۴- پیامدها - برخورداری از امکانات مادی - نظیر
۱۵- دومین شهر بزرگ «آلمان» - اثر مولوی

عمودی:

۱- بلور - ایستگاه بهداشتی
۲- نفس برانگیزاننده بدی - خداحافظی - از القاب خداوند
۳- گل همیشه‌بهار - پنهان - جایزه مسابقات
۴- نیمه‌دیوانه - کماندار منوچهر - از بت‌های جاهلیت - رنج‌ها
۵- چهار دندان نیش - از رنگ‌ها - هواکره
۶- دم و بازدم - زمینه و مقصود - ویران‌کننده
۷- پهلوان یونانی - دریافتن - ارغنون
۸- گلی سفید و خوشبو - کدورت خاطر - حلقه گیسو
۹- قارچ غیرقابل مصرف - نتایج و پیامدها - آجیل تلخ و شیرین
۱۰- پدر منوچهر - ورزش توپ و چوگان - از مصالح ساختمانی
۱۱- حرف زورو - سفارش متوفی - کارگر، زحمتکش
۱۲- محصول صادراتی «کوبا» - گرداگرد لب - گستردنی صیاد - ترک خفیف استخوان
۱۳- ورق - پیداکننده - شهر دوچرخه
۱۴- نمایش همراه با ساز و آواز و شعر - قدرت دید - الهه جنگل
۱۵- مؤسس افشاریان - بخشی در بانک‌ها

جدول ویژه

افقی:

۱- گیاهی طبی - سریالی با بازی اکرم محمدی
۲- نام پسرانه - سبزی سالاد - عددی ترتیبی
۳- ترس - فرایند خالص‌سازی یا جداسازی مواد خام طبیعی - چاشنی و مزه دهنده غذا
۴- قراول - جانشین «او» - بزرگ - ماهی کنسروی
۵- لگدکوب - خشک - از مشتقات نفت
۶- آرامبخش - نه مایع و نه گاز - میغ
۷- جوی - شهر «گرجستان» - لقب سام نریمان
۸- مخترع ماشین بخار - شاعر «هوای تازه» - فرایند انجام دادن کاری
۹- سوغاتی کرمان - محل احرام بستن حجاج - سنگی شبیه عقیق
۱۰- از القاب اروپایی - نام یک ارز دیجیتال که نقش بخصوصی در دنیای فناوری‌های بلاکچین ایفا می‌کند - عهده‌دار غرامت
۱۱- یکصدا - غم و رنج - مخفف هست
۱۲- تولد - ضمیر مفعولی - خشکی - اجسامی در خون
۱۳- ورم - منفی - مکر
۱۴- گیاهی از تیره کاسنی - خودستایی - رختشوی
۱۵- سردار کارتاژ - اثر «کازوئو ایشیگورو»

عمودی:

۱- فیلم «دیمین شزل» - هافبک تیم ملی
۲- مترسک - فریاد بلند - فرماندهان
۳- بالش - معاشرت - وصف مکان بی‌خطر
۴- بی‌رمق ندارد! - درویشی - داخل - شهر دیدنی استان فارس
۵- گرده خون - تقریباً یک طفل از ۲۵۰۰ طفل همراه با این بیماری متولد می‌شود - خمره بزرگ
۶- از واحدهای سنجش - رنگ کبود - مجلس «تایوان»
۷- شهر مازندران - چراغ نفت‌سوز - جرب
۸- جوابش هوی است - یکی از سرویس‌های رایگان ایمیل - از عناصر اربعه
۹- شهر استان آذربایجان غربی - سوغات مراغه - لرزان
۱۰- اشک طبیعت بر گونه گل - هویدا - امر به یافتن
۱۱- عدد منفی - کیک معروف! - نرم‌افزاری مفید
۱۲- هر ۷ روز یک بار - حشره موذی - میهمانخانه ییلاقی - شکم‌بند
۱۳- سرشوی گیاهی - خوب و خوش‌اندام - بجا و مناسب
۱۴- سرای جاوید نیکوکاران - عطا - شهر استان خوزستان
۱۵- سریال سعید نعمت‌الله - اثر «جونات دیاز»

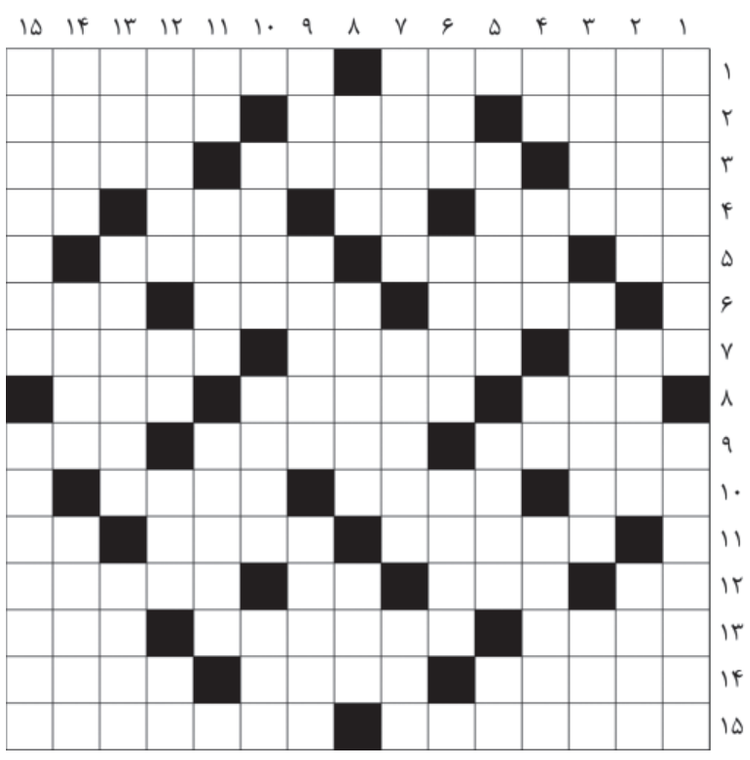

حل جدول عادی شماره ۸۳۹۶

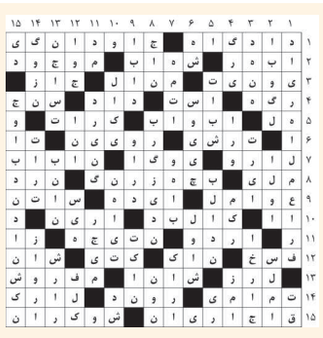
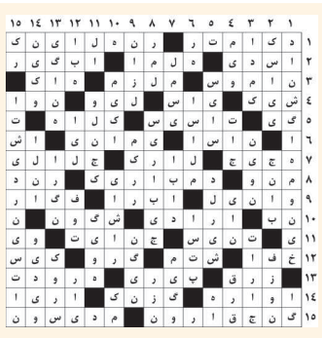
حل جدول ویژه شماره ۸۳۹۶